

بررسی رابطه حزب با توسعه اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی در ایران

سوسن خالقی کارسالاری^۱، عیسی حسن زاده^۲، محمدرضا نعیمی^۳، عباسعلی طالبی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۹

چکیده:

این مقاله به عنوان بررسی رابطه حزب با توسعه اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی در ایران به سیر تحولات اقتصادی و سیاسی در قالب برنامه های توسعه توجه دارد تا رابطه بین توسعه سیاسی و اقتصادی را دریابد. به لحاظ روش شناسی، تحقیق از نوع کیفی و توصیفی تحلیلی است که به روش اسنادی انجام می شود. نتایج حاصل از بررسی حاکی از این است که انقلاب اسلامی نتیجه مشارکت تمامی گروه های سیاسی اعم از گروه های دینی، ملی و ملی، ملی گرایان با گرایش های سوسیالیستی و لیبرالی است و توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی نیازمند مشارکت سیاسی احزاب و گروه ها و مشارکت اقتصادی بخش خصوصی است. پس از انقلاب این موارد در برنامه های توسعه کشور در قالب برنامه های پنج ساله دیده شده که سازمان برنامه و بودجه کارگزار اصلی تهیه نیازمندی ها و تدوین برنامه است. حزب جمهوری اسلامی علی رغم این که فراگیرترین حزب انقلابی و اسلامی بود اما به علت اختلافات ناشی از نگرش و گرایش سیاسی بدون تأثیرگذاری در نظام اقتصادی و فقط با حذف رقبا به سمت انزوا و تعطیلی کشیده شد. جامعه روحانیت مبارز تهران نیز دچار اختلاف و انشقاق شد. احزاب کارگزاران سازندگی و گروه های ۱۸ گانه اصلاحات بیشترین تأثیرگذاری را در برنامه های توسعه اقتصادی ایران داشتند و به میزانی که از سهم مشارکت احزاب کم شده برنامه های توسعه نیز ناکارآمد بوده اند. به طوری که بیشترین هم راستایی و بهترین عملکرد را به ترتیب در برنامه های سوم، اول، دوم، پنجم و چهارم می توان سراغ داشت.

واژگان اصلی: توسعه سیاسی؛ توسعه اقتصادی؛ کارگزار؛ حزب.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی جامعه شناسی اقتصاد و توسعه، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

۲. استادیار گروه جامعه شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (نویسنده مسئول).

hasanzadehisa@yahoo.com

۳. استادیار گروه جامعه شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سوادکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، سوادکوه، ایران.

۱. بیان مسأله

در کشورهای جهان سوم مخصوصاً ایران موضوع حزب و توسعه از مباحث جدید است، به طوری که نظام‌های سیاسی پیش و بعد از انقلاب و حتی دوران مشروطیت و بعد از آن نتوانستند از این ره‌آورد سیاسی که نتیجه تحولات جوامع بشری است به نحو مطلوب بهره‌مند شوند، نگاه به احزاب نگاهی ابزاری بوده نه هدفمند، یعنی حزب فقط برای دستیابی به قدرت مد نظر بوده نه این که با دستیابی به قدرت برنامه‌ای برای توسعه احزاب و نظام باید داشت. شاید به همین علت بوده که احزاب به اندازه کافی از رشد و توسعه و مقبولیت عامه برخوردار نشدند. به همان اندازه که احزاب در کشورهای توسعه یافته دموکراسی از حالت صوری و ظاهری برخوردارند، به همان اندازه نیز موضوع توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در ارتباط با احزاب توانسته شکل صوری یابد با این وجود رگه‌هایی از فعالیت احزاب در توسعه سیاسی و اقتصادی ایران دیده می‌شود، در نظام اسلامی وقتی به سیر تحول سیاسی و اقتصادی، مخصوصاً در نظام برنامه ریزی دقت می‌شود، چنین رگه‌هایی از توسعه سیاسی و اقتصادی را می‌توان یافت، اما تا چه اندازه بین توسعه اقتصادی و تحزب بعد از انقلاب ۱۳۵۷ رابطه وجود دارد؟ مسأله این مقاله است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت و ضرورت تدوین مقاله از نظر علمی به ارتباط ضروری بین نمادهای اصلی توسعه اقتصادی و سیاسی است که ضرورت دارد ضمن بیان فعالیت و مشارکت احزاب در توسعه سیاسی و دستیابی به قدرت به نقش آن‌ها در توسعه اقتصادی نیز پرداخت تا کارآیی و اثربخشی آن‌ها مخصوصاً در برنامه‌ها معلوم گردد. اهمیت این مقاله را نیز به سبب شرایط کشور ایران به عنوان کشوری که در حال توسعه است. می‌توان وجود رابطه ای علمی میان تحزب و توسعه اقتصادی و یا فقدان چنین رابطه‌ای را نشان داد و به جایگاه تحزب در روند توسعه پی برد و از آن برای عبرت آموزی در پیمودن مسیر توسعه اقتصادی استفاده کرد و فواید آن را چنین برشمارد: اولاً منجر به شناخت کارآیی و اثربخشی احزاب در توسعه اقتصادی می‌شود؛ ثانیاً نقش و تأثیر توسعه سیاسی در توسعه اقتصادی بازشناسی می‌شود و ثالثاً نیاز مجامع علمی مخصوصاً دانشگاه‌ها در باره توسعه سیاسی و اقتصادی در بازه زمانی بعد از انقلاب مخصوصاً در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب تأمین و ارائه می‌گردد.

هدف بررسی رابطه توسعه اقتصادی و تحزب بعد از انقلاب است و سوال این که آیا احزاب بعد از انقلاب اسلامی در توسعه اقتصادی ایران نقش داشته اند؟ به لحاظ روش‌شناسی، تحقیق از نوع کیفی و تحلیلی است که به روش ساختارکارگزار انجام می‌شود، ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش

برداری، خلاصه برداری و یادداشت برداری از آثار و منابع اصلی و مقالات و تحقیقات مرتبط با موضوع سپس تحلیل داده‌های به دست آمده برای یافتن پاسخ پرسش‌های تحقیق است. منابع اصلی تحقیق را برنامه‌های احزاب و عملکرد دولت‌های بعد از انقلاب تشکیل می‌دهند و شاخص‌های توسعه اقتصادی و نقش احزاب در عملکرد اقتصادی دولت با محوریت توسعه را می‌توان مورد تحلیل قرار داد.

۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با نقش احزاب در توسعه اقتصادی نمی‌توان آثار تحقیقی و تالیفی قوی و موثری یافت، زیرا اساساً حوزه فعالیت احزاب سیاسی در بحث توسعه سیاسی جایگاه محکمی دارد نه در توسعه اقتصادی، زیرا در ارتباط با توسعه اقتصادی احزاب نیازمند دست‌یابی به مدارک و مستندات اقتصادی در بدنه کارشناسی دولت هستند که تا زمانی که به قدرت دست نیابند، به این مستندات دسترسی ندارند. به همین دلیل اغلب مطالعات به زمینه‌های توسعه و توسعه سیاسی در ارتباط با احزاب اشاره دارند. یکی از مطالعات انجام شده که از قدمت و ساختار محکمی برخوردار است کتاب تحلیل دموکراسی در آمریکا نوشته و مشاهدات دوتوکویل (۱۸۳۰) مهمترین اثر سیاسی است که نویسنده در باره مشارکت و حس ملی‌گرایی و وطن‌دوستی آمریکایی در نقاط روستایی را مبنای روحیه دهستان‌دوستی و از ویژگی‌های محلی‌گرایی در آمریکا است (دوتوکویل، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۱) این روحیه موجب مشارکت همه جانبه افراد در تعیین وضعیت دهستان می‌باشد. مطالعات مربوط به لیپست است که به الگوی مشارکت سیاسی در مورد شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف توجه کرده و وضعیت دموگرافیک مشارکت کنندگان را مدنظر قرار داده به طوری که مردان، تحصیل کرده‌ها، شهرنشینان، افراد میانسال، متأهلین، افراد دارای منزلت بالا و افرادی که عضو سازمان هستند، بیش از سایرین در انتخابات شرکت می‌کنند (لیپست، ۱۳۷۳: ۳۷۹-۴۱۸). البته این موضوع با شاخص درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد موثر است (بارکان، ۱۹۹۹: ۶۶). همچنین تحقیقات لایگلی نشان داد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود. (مک کلارگ، ۲۰۰۱). مایکل راش (۱۳۸۰) مایکل راش نیز عقیده دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر اساس پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، منطقه و مکان سکونت، شخصیت، محیط سیاسی یا زمینه‌ای که مشارکت در آن اتفاق می‌افتد، متفاوت است (راش، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

در مطالعات داخلی به ترتیب زمانی می‌توان از بخارایی‌زاده (۱۳۹۷) یاد کرد که نقش احزاب را در تدوین سیاست‌های عمومی، شکل دادن به افکار عمومی، افزایش آگاهی مردم، انتقاد از حکومت، رقابت سالم سیاسی و حاضر کردن مردم، در صحنه و بالا بردن درک مندی آنها، کم کردن خطر استبداد قوه مجریه، تقویت جامعه مدنی با بزرگ کردن نهادهای ما بین مردم و حکومت، نزدیک کردن افکار به همدیگر، تسهیل حکومت پارلمانی و تضمین دموکراسی از مهمترین کارکردهای احزاب در کشورهای توسعه یافته هستند. همچنین مطالعات غفاری (۱۳۹۶) احزاب سیاسی ملازم با مردم‌سالاری، حلقه مفقوده و واسطه بین مردم و کارگزاران و تصمیم‌گیران سیاسی است، ظهیری، (۱۳۹۵) نیز به این نتیجه رسیده که پدیده اختلاف در عرصه اندیشه و حکومت، واقعیتی است که در هر نظام فکری و سیاسی وجود دارد. میرخلیلی (۱۳۹۳) نقش احزاب را برای بدست آوردن کرسی پارلمانی، جهت تاثیرگذاری بر روند قانونگذاری دانسته و این مهم از طریق مشارکت حاصل می‌شود. به صورت مشخص التجایی (۱۳۹۵) به تحلیل اقدامات نهادی-اقتصادی دولت طی چهار دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ پرداخته و میان طیف گسترده دیدگاه‌های موجود در خصوص نقش دولت در اقتصاد، یک دیدگاه میانه که مهمترین اولویت دولت در اقتصاد را ایجاد زیربنای نهادی معرفی می‌کند، دانسته است. تمی (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیده که در ایران، کمتر شاهد ظهور ساخت‌هایی متشکل، نقش مند، نهادینه و تأثیرگذار هستیم. احزاب سیاسی در ایران بیش از آنکه بر گرفته از شکاف‌ها و تنوعات اجتماعی در جامعه باشد، بیشتر برآمده از شخصیت‌ها و نگاه دولتی، وابستگی به بیگانگان و جهت‌گیری جناح‌ها در مقابل هم بوده است. زیباکلام و مقتدایی (۱۳۹۳) تقاضای مشارکت سیاسی رو به افزایش است و بدیهی است که شاخصه اصلی توسعه سیاسی به مشارکت سیاسی دانسته‌اند.

۳. ادبیات نظری

در ادبیات فارسی حزب به معنی گروه و دسته است (معین، ۱۳۷۷: ذیل واژه حزب). حزب و معادل آن در سایر زبان‌ها نیز کاربرد دارد، اندیشمندان علم سیاست، حزب را بر اساس برداشت علمی و تجربی خود تعریف کرده‌اند. حزب در زبان عربی به معنای گروه و جماعتی است که با شور و حماسه از آرمان‌های مشترک خود دفاع کنند. در برخی تعاریف حزب را تجمع گروهی دانسته‌اند که بر اندیشه و هدف واحدی توافق دارند و با جدیت از آن دفاع می‌کنند» در بین تعاریف انجام شده گنل، اشاره به گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته دارد که به عنوان واحد سیاسی دارای ساختار و کارکرد است. همچنین «مک آیور» این مفهوم را برای گردهم‌آیی سازمان یافته در نظر گرفته که در جهت حمایت از برخی اصول یا سیاستهایی که از راههای قانونی می‌کوشند حکومت را

بدست گیرند»، در نظر گرفته است (به نقل از عالم، ۱۳۸۲). این تعریف نیز به ساختار و کارکرد اشاره دارد، در تعریف «جوانی ساتوری» نیز حزب با شاخص‌هایی چون: گروه سیاسی، عنوان رسمی، تلاش برای اشغال پست‌های دولتی تعریف شده (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۲۲). که بیانگر ساختار و کارکرد حزبی است. تعریف لئون اپستین از حزب سیاسی با همان ویژگی‌های ساختاری حتی سازمانی ضعیف و کارکردش معلوم شده (جاسبی، ۱۳۸۹: ۴۹). تعاریفی که ادmond برک و «جیل کریست» کرده‌اند با اندکی تفاوت در بکار بردن واژگان مفاهیمی چون سازمان، کارکرد و وحدت رفتار اعضا را انتقال می‌دهد (عالم، ۱۳۷۳: ۳۴۳). حتی موريس دوورژه، نیز بر نقش و اهمیت سازمان و تشکیلات حزبی تأکید می‌کند، منافع و هدف‌های نیروهای اجتماعی گوناگونی را مانند: طبقات، واحدهای محلی، دسته‌های نژادی، جماعتی دارای منافع ویژه بیان می‌کنند. وی هدف مستقیم احزاب را به چنگ آوردن قدرت یا اعمال در آن دانسته است (عالم، ۱۳۷۳: ۱۶۱). ساموئل هانتینگتون: حزب را در قالب توسعه سیاسی مورد ملاحظه قرار داده و معتقد است متضمن عقلانی شدن اقتدار، تنوع ساختارهای سیاسی و بخصوص گسترش مشارکت است (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۲۸).

این تحقیق به لحاظ چارچوب نظری ترکیبی از مدل «تغییر از درون» نظریه هانتینگتون است و به لحاظ مدل تحلیل ساختاری کارگزار از نظریه آتونی گیدنز است. مطالعات انجام شده حاکی از این است که در سیر تحولات تاریخی شکل‌گیری احزاب و رابطه احزاب با توسعه سیاسی، دو رویکرد مذکور از جایگاه نظری و عملی قوی برخوردار است. مدل تغییر از درون به طور عمده در دوران پهلوی تجربه شد و دانشجویان هانتینگتون در درون نظام سیاسی دوران پهلوی، این نظریه را اجرایی می‌کردند، بعد از انقلاب نیز رهبری واحد یعنی ولی فقیه بالاترین جایگاه را در نظام سیاسی دارد. بر اساس نظریه هانتینگتون و دانشمندی چون جوزف نای و جین شارپ تحقق دموکراسی در هر جامعه‌ای از آمال لیبرال دموکراسی محسوب می‌شود. بر اساس نظریه نهادمندی هانتینگتون «شاخصه‌های توسعه سیاسی عبارتند از: تطبیق پذیری، استقلال، پیچیدگی و انسجام و میزان کارآمدی احزاب بر پایه پشتیبانی مردمی، سطح نهادمندی و پیچیدگی و عمق سازمانی و میزان تعلق نخبگان و فعالان سیاسی به حزب مشخص می‌شود. تا زمانی که توسعه سیاسی به معنای واقعی محقق نشود، احزاب نمی‌توانند به شکل کارآمدی فعالیت کنند.

۴. سیر تاریخی احزاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی

به لحاظ تاریخی و جغرافیایی حزب و کارکردهای حزبی متسبب به غرب است. در غرب نیز برخی از محققان سابقه حزب را به عهد باستان می‌رسانند، اما در دوره نوین آمریکا تنها کشوری

است که به معنای واقعی از حزب برخوردار بود، به طوری که موریس دو ورژه نوشته «در ۱۸۵۰ هیچ کشوری در عالم (به استثنای ایالات متحده آمریکا) دارای حزب سیاسی به معنی نوین کلمه نبود. شاید در بعضی از کشورها، کانون‌هایی برای تبادل نظر و اجتماع مردم یا انجمن‌هایی برای بیان اندیشه‌ها وجود داشت، اما هیچ‌کدام به معنی خاص حزب نبود. یک قرن بعد بود که در اکثر کشورها احزاب سیاسی بوجود آمد (دورژه، ۱۳۵۴: ۱۳۸). اگر در غرب حزب سیاسی عملاً از ۱۹۵۰ ظهور و فعالیت کرد، در ایران آشنایی با حزب و فعالیت‌های حزبی تقریباً از سال ۱۹۰۰ آغاز شد. این اتفاق در اثر آشنایی تحصیل کردگان در کشورهایی چون فرانسه و انگلیس اتفاق افتاد و در دهه اول قرن بیستم، که انقلاب مشروطیت در ایران به نتیجه رسید آرام آرام گروه‌های همفکر به وجود آوردند و از عنوان حزب استفاده کردند (مدنی، ۱۳۸۹: ۶). امروزه به قول «هانتینگتون» زندگی سیاسی در جوامع غربی در وجود احزاب خلاصه شده و هر کشوری که بخواهد در راه توسعه و پیشرفت گام بگذارد، ناگزیر است احزاب را بپذیرد (نقیب زاده، ۱۳۶۸: ۱۱). «دیوید اپتر» پا را فراتر گذاشته و اظهار داشته: که احزاب سیاسی در جریان نوسازی همه جوامع معاصر نیروی مهمی را تشکیل می‌دهند و در جریان نوسازی تعیین کننده هستند (ابتر، ۱۹۶۵: ۱۷۵).

با توجه به تعریف و سیر تاریخی پیدایی احزاب، کارکرد احزاب را می‌توان به صورت آشکار و پنهان معرفی کرد: کارکردهای آشکار حزب مشتمل بر مواردی چون: شکل دادن به افکار عمومی؛ معرفی نامزدها در انتخابات؛ نظم دادن به انتخابات با معرفی نامزدها، سازمان دهی انتخاب‌شوندگان و اعمال نفوذ بر آن‌ها معرفی کرد. همچنین کارکردهای پنهان حزب عبارت از: برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و سیستم سیاسی؛ جذب تازه‌واردان به سیستم؛ مسالمت‌آمیز کردن رقابت‌های قدرت‌جویانه، یا مدیریت منازعه که باعث جلوگیری از رقابت‌های بانندی و در نتیجه کاهش بروز تضادها و فساد سیاسی می‌گردد.

سیر تاریخی فعالیت احزاب در ایران نشان می‌دهد، عمر احزاب در ایران را به سه دوره تاریخ می‌توان تقسیم کرد:

- مراحل اولیه تشکیل احزاب و فعالیت‌های آن‌ها در دوران مشروطیت؛
 - سیر تحولات شکل‌گیری احزاب در دوران پهلوی اول و دوم؛
 - سیر تحول شکل‌گیری احزاب در دوران انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی.
- احزاب سیاسی ایران پس از انقلاب را در سه دوره می‌توان شناسایی و معرفی کرد:

- دوره اول شامل گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی فعال پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا انحلال

حزب جمهوری اسلامی؛

- دوره دوم (از انحلال حزب جمهوری اسلامی تا دوم خرداد ۱۳۷۶)؛

- دوره سوم (بعد از خرداد ۱۳۷۶).

گروه‌های سیاسی فعال دوره اول، منحصر به حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نهضت آزادی بودند. سه گروه نخست همسو و متحد بودند ولی با اتفاقاتی که بعدها افتاد، اختلاف در آنها ظهور کرد؛ به تدریج این اختلاف در «حزب جمهوری اسلامی» نیز تداوم پیدا کرد. یکی از بحث‌هایی که به نوعی سرآغاز اصلی مناقشات جناحی گردید، مسأله اصلاحات ارضی، بند موسوم به بند «ح» و قانون کار بود که در سال ۱۳۶۰ نمود پیدا کرده بود. بنابراین نخستین مرزبندی‌های جدید و علنی سیاسی و فکری، میان نیروهای خودی داخل نظام (جریان اسلام‌گرا) از درون حزب جمهوری اسلامی پدید آمد. اوج این اختلاف در زمینه اقتصادی بود که با روی کار آمدن دولت موسوی تشدید شد. نهضت آزادی علی‌رغم این که در انقلاب نقش موثر داشت، در فرآیند تحولات بعد از انقلاب غیرقانونی اعلام شد. این گروه طرفدار دموکراسی و پیرو سیاست‌های ملی‌گرایانه مصدق بودند. رهبری یا «پدر معنوی» جریان راست را باید جامعه روحانیت دانست. جریان چپ‌گفتمان غالب دهه اول انقلاب بود و تقریباً همه ارکان حکومت را در اختیار گرفت. با پایان جنگ ۸ ساله و حذف پست نخست‌وزیری؛ قدرت به ریاست جمهوری در بازنگری قانون اساسی انتقال یافت و شرایط جهانی و اوضاع و احوال داخلی موجب شد تا جریان چپ کرسی‌های قدرت را از دست بدهد. جریان چپ سستی در دوره افول قدرت چند راهبرد و اقدام را در دستور کار خود قرار داد: کادرسازی، نظریه پردازی، گسترش فعالیت‌های رسانه‌ای و تشکیلاتی جهت ایجاد مفصل‌بندی جدید (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

در دوره دوم؛ دو تشکل سیاسی «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» و «حزب جمهوری اسلامی» در سال‌های ۶۵ و ۶۶ منحل شدند و جامعه روحانیت تنها گروه سیاسی فعال کشور بود و اختلاف نظرهایی میان اعضای آن به وجود آمد که در نهایت تشکل جدیدی به نام «مجمع روحانیون مبارز تهران» با اطلاع و موافقت امام (ره) در سال ۱۳۶۷ تأسیس شد. همچنین حزب کارگزاران سازندگی از جامعه روحانیت مبارز منشعب شد؛ تا حدودی نیز جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی نیز از گروه‌های سیاسی فعال این دوره به شمار آمد. همچنین فعالیت‌های

سیاسی تشکل های همسو که از روحانیت مبارز تبعیت می کردند، رونق داشت. دوره سوم به بعد از خرداد ۱۳۷۶ مربوط است. در این دوره گروه‌ها شفاف‌تر شدند و مواضع آنها آشکارتر شد. ملاک تقسیم‌بندی گروه‌های سیاسی به دموکراسی اسلامی و حکومت اسلامی متمایز شد. جبهه دوم خرداد متشکل از ۱۸ گروه و تشکل سیاسی در حمایت از خاتمی شکل گرفت که مهمترین آن‌ها عبارتند از: جبهه مشارکت ایران اسلامی، حزب همبستگی ایران اسلامی، مجمع روحانیون مبارز، حزب کارگزاران سازندگی ایران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمان، حزب اسلامی کار، مجمع نیروهای خط امام، جمعیت زنان جمهوری اسلامی، مجمع اسلامی بانوان، انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران و مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم. گروه‌ها و تشکلهایی که در برابر جبهه دوم خرداد بودند، شامل ائتلاف پیروان خط امام و رهبری وجود دارد که متشکل از جامعه روحانیت مبارز و تشکل های همسو با آن است که در بخش قبل مواضع و دیدگاه های آن‌ها بررسی شد. بنابراین این در این دوره به بررسی مواضع و دیدگاه های برخی از این گروه های ۱۸ گانه جبهه دوم خرداد و حزب اعتدال ملی (که پس از شکست جبهه دوم خرداد شکل گرفت) پرداخته خواهد شد.

۵. ساختار سیاسی و توسعه سیاسی در ایران (۱۳۳۲-۱۳۵۷)

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. احزاب و توسعه در دوران دولت موقت و اولین دوره ریاست جمهوری

نهیض آزادی از احزایی است که ریشه تاریخی آن به دوره دکتر مصدق می‌رسد. مهندس مهدی بازرگان که از سوی امام خمینی (ره) برای تشکیل دولت موقت و انتقالی مامور شده بود، موسس آن و سابقه همکاری با دکتر مصدق را داشت. این حزب سیاسی در سال ۱۳۴۰ تاسیس شد. موسسان نهضت آزادی مهدی بازرگان، یدالله سبحانی و سید محمود طالقانی بودند. آن‌ها بر هویت اسلامی و ایرانی تأکید داشتند (شاملو، ۱۳۹۵). دولت موقت فرصت برنامه ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی را طی مدت ۹ ماه تصدی امور دولت، پیدا نکرد، چون اختلافات درون نظام و احزاب و گروه‌ها و جنگ‌های داخلی، به اندازه‌ای زیاد بود که دولت استعفاء کرد و فعالیت‌های مرتبط با دولت به شورای انقلاب محول گردید. بنابراین این موضوعاتی چون توسعه و احزاب اعم از سیاسی و اقتصادی توسط احزاب در این دوران متفی است و جامعه از سوی احزاب بیشتر دچار کشمکش و التهاب سیاسی بود.

اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران در بهمن ۱۳۵۸ برگزار شد و بنی‌صدر در نیمه بهمن ۱۳۵۸ سوگند ریاست جمهوری به جای آورد و رسماً آغاز به کار کرد. در این دوران ریاست مجلس را از سوی نمایندگان هاشمی رفسنجانی عهده‌دار شد (سرویس سیاسی خانه ملت (۲۰/۱۱/۱۳۹۶)). در این دوران مهمترین درگیری احزاب و گروههای موثر در پیروزی انقلاب اسلامی در برابر هم صف آرایی کردند و کشمکش آن‌ها پیرامون آزادی سیاسی بود که در حوزه توسعه سیاسی است. در این دوره اساساً مباحث مرتبط با توسعه اقتصادی مطرح نشد. درگیری‌هایی سیاسی بین گروهک‌ها و احزاب مختلف که بعد از انقلاب خواهان سهمی از قدرت بودند، علاوه بر ایجاد هرج و مرج داخلی، باعث ایجاد فضای ترور شد (معنوی، ۱۳۸۶: ۱).

۲-۵. حزب جمهوری اسلامی و اولین برنامه توسعه

در جریان انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی، سه جریان مذهبی، ملی و چپ در این انتخابات شرکت کردند و به رقابت با هم پرداختند. حزب جمهوری اسلامی در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ با هدف «تداوم بخشیدن به انقلاب مردم مسلمان ایران و تلاش جهت استقرار نظام عدل اسلامی در سراسر جهان تحت رهبری ولی‌فقیه در زمینه‌های معنوی، فرهنگی، سیاسی و نظامی» به وسیله آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و شهیدان بهشتی و باهنر تأسیس شد (شادلو، ۱۳۸۵). پس از پایان انتخابات مجلس، بیشتر کرسی‌ها در اختیار جریان ائتلاف بزرگ قرار گرفت. از میان ۲۳۴ نماینده، ۶۴ تن از آن‌ها متعلق به حزب جمهوری اسلامی، ۲۲ تن از حزب ملی - مذهبی‌ها، ۳۳ تن از دفتر همکاری‌ها و ۱۱۵ نماینده از منفردها بودند. در رابطه با توسعه اقتصادی از زمان روی کار آمدن میرحسین موسوی از حزب جمهوری اسلامی بود که اولین برنامه اقتصادی مطرح گردید اما مسکوت ماند. در این دوره ریاست جمهوری را آیت الله سیدعلی خامنه‌ای برعهده داشت. علت مسکوت ماندن برنامه نیز به درگیری و اختلافات ناشی از قرائت متفاوت از موضوعات اقتصادی مانند: مسأله اصلاحات ارضی، قانون کار، و بند موسوم به «ج» بود که در سال ۱۳۶۰ نمود پیدا کرد (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۶۵). اوج اختلافات در زمینه اقتصادی بود که جناح چپ مذهبی با توجه به اوضاع کشور به ویژه جنگ، تحت تأثیر اندیشه‌های چپ معتقد به «اقتصاد بسته دولتی» بودند ولی جناح راست با توجه به احکام الهی و اولیه و استدلال خود به «اقتصاد بازار آزاد» اعتقاد داشتند (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸). با توجه به اختلافات و تعطیلی حزب در سال ۱۳۶۸؛ حزب نتوانست در امر توسعه اقتصادی کشور موثر باشد.

در انتخابات دومین دوره مجلس هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد و

مهندس بازرگان و اعضای نهضت آزادی رد صلاحیت شدند.

۳-۵. برنامه توسعه و مسأله تحزب

۱-۳-۵. اولین برنامه توسعه و تحزب

اولین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی و ... در کشور توسط دولت میرحسین موسوی تهیه شد و با اصلاحاتی در دوران سازندگی که رفسنجانی ریاست جمهوری را بر عهده داشت اجرایی شد. اجرای برنامه در بخشی از دوره سوم مجلس شکل اجرایی گرفت. در مجلس سوم هفت گروه و تشکل مهم فعالیت می‌کردند که عبارت بودند از جامعه روحانیت مبارز تهران، دفتر تحکیم وحدت، خانه کارگر، انجمن اسلامی معلمان ایران، انجمن اسلامی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها. هاشمی رفسنجانی ریاست دو سال ابتدایی سومین دوره مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت و ۲ سال باقی مانده از عمر مجلس بر عهده مهدی کروبی قرار گرفت (سرویس سیاسی خانه ملت، ۱۳۹۶). نویسندگان برنامه اول در دوره مهندس موسوی توسط سازمان برنامه و بودجه و با مسئولیت محمدتقی بانکی محقق شد (یوسفی، ۱۳۸۹). با اجرایی نشدن برنامه توسعه دولت موسوی که اکثر کارگزاران وی از حزب جمهوری اسلامی بودند، عملاً برنامه توسعه پس از انقلاب و سال‌های جنگ تحمیلی از سال ۱۳۶۸ آغاز شد. در زمان هاشمی رفسنجانی راهبرد برنامه اول به برنامه سازندگی مشهور و آزادسازی اقتصادی تعیین شد. این برنامه به دنبال آن بود تا با سرمایه‌گذاری دولتی خسارت‌های جنگ تحمیلی را جبران کند و بهره‌برداری حداکثری را از ظرفیت‌های موجود در کشور انجام دهد و در نهایت رشد مناسبی را ایجاد کند. ایجاد رشد اقتصادی مثبت، بازسازی زیرساخت‌های کشور، تامین نیازهای ضروری، بازسازی و راه‌اندازی ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی که به علت جنگ متحمل خسارت‌های بسیاری شده بود و همچنین ارتقای کمی و کیفی فرهنگ و آموزش از مهمترین اهداف این برنامه بود. در سال‌های پایانی برنامه اول، تورم افزایش یافت. این برنامه در پایان دوره نتوانست به رشد اقتصادی ۵٫۱٪ که پیش‌بینی شده بود، دست پیدا کند و در زمینه ی بیکاری نیز موفق عمل نکرد. در برابر، این برنامه نتوانست نقش بخش خصوصی را در اقتصاد ایران پررنگ کند. در حوزه ی مالی نیز به علت نرخ سالانه ۲۵ درصدی افزایش نقدینگی، نرخ تورم به ۲ برابر نرخ پیش‌بینی شده ۱۳٫۲ درصدی در برنامه افزایش یافت. همانطور که پیشتر گفته شد بخشی از این برنامه در چهارمین دوره مجلس که فروردین ۱۳۷۱ برگزار شد ادامه یافت. علی‌اکبر ناطق‌نوری ریاست این دوره از مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت. (سرویس سیاسی خانه ملت، ۱۳۹۶). برنامه اول توسعه به طور میانگین رتبه: ۲/۵ را با عنایت به

شاخص های توسعه دارد(شقایقی شهری، ۱۳۹۷: ۲۳۷-۲۰۹)

۲-۳-۵. اجرای دومین برنامه توسعه کشور و نقش احزاب سیاسی

برنامه دوم در دولت هاشمی رفسنجانی تدوین شد و از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ به اجرا درآمد. برنامه‌ی دوم خط مشی‌هایی همچون تشویق صادرات، توجه به بازارهای مالی، اشتغال‌زایی، مهار فشارهای معیشتی و اصلاح نظام قیمت‌ها را در پیش گرفت. برنامه توسط سازمان برنامه و بودجه کشور تدوین گردید. برنامه به نام سیاست‌های تعدیل اقتصادی معروف بود. در دوران هاشمی رفسنجانی حزب کارگزاران سازندگی بیشترین حضور را در بدنه دولت داشت، اما نمی‌توان گفت که برنامه دوم مربوط به حزب کارگزاران سازندگی بوده، زیرا این موضوع در سازمان برنامه و بودجه انجام می‌شد. دومین برنامه با مطالعات لیپست(۱۳۷۳) و بارکان(۱۹۹۹) و همچنین تحقیقات لایگلی و مایکل راش که به موضوعاتی چون تحصیل کرده‌ها، شهرنشینان، افراد میانسال، متأهلین، افراد دارای منزلت بالا و افرادی که عضو سازمان، شاخص درآمد، شاغل در میزان مشارکت سیاسی افراد موثر است را نشان می‌دهد. در این دوران نشریات سیاسی، احزاب جدا شده از طیف سستی روحانیت مانند کارگزاران سازندگی طیف وسیعی از جامعه را متوجه خودشان کرده بودند و در ارکان دولت نیز از کارگزاران نظام به حساب می‌آمدند. مطالعات شقایقی نشان می‌دهد این برنامه برنامه دوم میانگین رتبه: ۳/۳۳ را داراست(شقایقی شهری، ۱۳۹۷: ۲۳۷-۲۰۹).

۳-۳-۵. اجرای سومین برنامه توسعه کشور و نقش احزاب سیاسی

برنامه‌ی سوم توسعه از سال ۱۳۷۹ آغاز شد و با نگاه اجتماعی- اقتصادی در داخل و سیاست تنش‌زدایی در روابط بین الملل اهدافی همچون اصلاح ساختاری اقتصاد و تقویت بخش خصوصی را دنبال می‌کرد. رویکرد این برنامه، توسعه‌ی اقتصاد رقابتی به همراه اصلاحات در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و تسهیل سرمایه‌گذاری بود. برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز، حذف موانع غیرتعرفه‌یی، تأسیس بانک خصوصی، ایجاد حساب ذخیره ارزی، اصلاح نظام قیمت‌ها و نیز حرکت برای حذف یارانه‌ی انرژی را مورد تأکید قرار داد. برخی حقوق اجتماعی شهروندان و تقویت فضای سیاسی داخلی نیز به عنوان هدف تعیین شد. نیروهای موثر در برنامه ریزی از احزاب اصلاح طلب بودند. مشخص‌ترین نمایندگان آن‌ها یعنی محمدعلی نجفی از سال ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۹ و محمدرضا عارف (۱۳۷۹-۱۳۸۰) به ریاست سازمان انتخاب شدند. برنامه‌ی سوم توسعه به نسبت دیگر برنامه‌های کشور موفق‌تر عمل کرد و توانست به رشد اقتصادی مناسب بیش از ۶ درصدی در کنار افزایش ۱۰ درصدی سرمایه‌گذاری دست یابد. ضمن اینکه تورم سالانه به سطح ۱۴٫۱ رسید که ۱٫۸ کمتر از

برآوردهای برنامه بود. البته این برنامه در تسریع روند خصوصی سازی، کاستن از یارانه های انرژی، کاهش مقررات زدایی و برچیدن انحصارها ناکام ماند. ساختار حزبی مجلس که پنجمین دوره آن را تجربه می کرد، اکثریت با جناح راست و اصولگرا بود ولی احزاب چپ، کارگزاران سازندگی، جمعیت دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی و نمایندگان مستقل نیز حضور چشمگیری داشتند. در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، در هفتم خرداد ۱۳۷۹ شروع به کار کرد. جبهه دوم خرداد توانست اکثریت مطلق مجلس را به دست آورد. در تهران بزرگ، فهرست نامزدهای پیشنهادی حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی، ۹۰ درصد کرسی های این حوزه را کسب کرد (سرویس سیاسی خانه ملت، ۱۳۹۶). در این دوره حضور محسن نوربخش در ریاست بانک مرکزی از نیروهای تکنوکرات دوران سازندگی و به بهانه یکسان سازی نرخ ارز، نرخ دلار تا ۹۸۰ تومان بالا برده شد و از سوی دیگر وی با کمک همفکران خود فعالیت بانک های خصوصی را از سال ۱۳۸۰ رسمیت بخشید که این دو پدیده در سال ها و دوره های بعد آثار زیانبار از خود به جای گذاشتند.

در این دوران که ادامه اصلاحات ساختاری نظام محسوب می شود مشارکت سیاسی از نرخ بالایی برخوردار بود به نحوی که دولت اصلاحات در رقابت با اصولگرایان از مقبولیت بیشتری برخوردار بود و مطالعات بخارایی زاده (۱۳۹۷) با این بررسی منطبق است که احزاب نقش تدوین سیاست های عمومی، شکل دادن به افکار عمومی، افزایش آگاهی مردم و انتقاد از حکومت را در رقابتی سالم به نمایش گذاشتند. همچنین مطالعات غفاری (۱۳۹۶) حضور احزاب سیاسی ملازم با مردم سالاری بود. همچنین منطبق با ظهیری (۱۳۹۵) است زیرا پدیده اختلاف در عرصه اندیشه و حکومت را به عنوان واقعیتهای نمایان کرد. در این دوران مطابق مطالعات میرخلیلی (۱۳۹۳) احزاب برای بدست آوردن کرسی پارلمانی و تأثیرگذاری بر روند قانونگذاری مشارکت زیادی داشتند. مطالعات شقاقی (۱۳۹۷) نشان می دهد که برنامه سوم توسعه میانگین رتبه ۱/۸۳ را دارد.

۴-۳-۵. چهارمین برنامه توسعه و نقش احزاب سیاسی

برنامه چهارم توسعه از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ در چارچوب سند چشم انداز ۲۰ ساله و ابلاغ سیاست های کلی رهبر انقلاب تهیه و تصویب شد. برنامه در اواخر دوره اصلاحات یعنی دولت خاتمی تهیه و تنظیم شد و در دولت نهم یعنی احمدی نژاد اجرایی شد. در دولت احمدی نژاد اجرای این برنامه با انحلال سازمان برنامه بودجه همراه شد. از نکات بدیع برنامه چهارم توجه به آمایش سرزمین، توازن منطقه ای، حفاظت از محیط زیست در فصل ۵ و ۶ از بخش برنامه چهارم و رشد بهره وری سالانه بود. برنامه چهارم به لحاظ حزبی و گرایش های سیاسی وضعیت متفاوتی

یافت. این برنامه توسط گروه کارشناسی سازمان برنامه و بودجه که عموماً تکنوکرات بودند و به لحاظ سیاسی وابستگی و یا گرایش به کارگزاران سازندگی و اصلاحات داشتند تهیه شد و در مجلسی که اکثریت آن را کارگزاران سازندگی و گروه‌ها و احزاب منتسب به اصلاحات داشتند مصوب شد، اما برای اجرایی شدن در اختیار احزاب منسوب به اصول‌گرا قرار گرفت. در پایان برنامه، متوسط رشد کشور از میزان ۷,۴ درصد پیش بینی شده کمتر بود. این برنامه در کنترل بیکاری نیز ناموفق بود و بیکاری از ۱۰,۱ درصد بالاتر رفت و به ۱۲,۷ رسید. نرخ تورم نیز نسبت به پیش بینی‌ها بیشتر شد. در این باره باید کیفیت اجرای برنامه و میزان اثربخشی و کارایی آن و دلایل عدم موفقیت ارزیابی شود.

در این دوران مطالعات تمی (۱۳۹۲) مصداق می‌یابد زیرا احزاب رو به افول می‌روند و نظام سیاسی در تقابل با احزاب قرار می‌گیرد و احزاب به علت عدم نهادینه شدن از میدان رقابت حذف و گوشه انزوا می‌گیرند.

مطالعات شقاقی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که برنامه چهارم توسعه میانگین رتبه: ۳/۸۳ را دارد.

۵-۳-۵. پنجمین برنامه توسعه و نقش احزاب سیاسی

برنامه پنجم در دوران مجلس هشتم که اکثریت این مجلس با اصولگرایان بود (سرویس سیاسی خانه ملت، ۱۳۹۶) و اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۹۰ آغاز شد و قرار بود در پایان سال ۱۳۹۴ به آخر برسد. اگر تصمیم بر این بود که برنامه‌ی ششم توسعه از سال ۱۳۹۵ شروع شود، ضرورت داشت که تا قبل از تقدیم بودجه سال ۱۳۹۵ دولت لایحه‌ی برنامه ششم را به مجلس ارائه دهد. ابراهیم عزیزی^{۱۱} از سال ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ ریاست معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی انتخاب شد. وی جزو کمیته نویسندگان برنامه پنجم توسعه نیز بود و تلاش کرد تا به احیای ساختار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در معاونت نظارت راهبردی بپردازد اما موفق نشد. مطالعات شقاقی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که برنامه پنجم توسعه میانگین رتبه: ۳/۵ را داشته است.

۵-۳-۶. ششمین برنامه توسعه و نقش احزاب سیاسی

قرار بود برنامه پنجم ساله‌ی ششم توسعه‌ی کشور نیز از سال ۱۳۹۵ به اجرا درآید. در این دوران مجلس در اختیار سه فراکسیون مستقلین ولایی، نمایندگان ولایی و فراکسیون امید قرار داشت. (سرویس سیاسی خانه ملت، ۱۳۹۶). ساختار سیاسی و حزبی مجلس دهم به سمت اصول‌گرایان سنگینی می‌کرد. لیست امید اصلاح طلبان از نیروهای قوی برخوردار نبود. این برنامه عملاً اجرایی نشد، چون سیاست اقتصاد مقاومتی و تحریم‌های آمریکا علیه ایران و محدودیت‌های ناشی از تحریم

در امر فروش نفت و ... عملاً کشور را در وضعیت نامناسبی از نظر سیاسی و اقتصادی قرار داد، ضمن این که احزاب فعال نیز محدود شدند.

نتیجه گیری

- انقلاب اسلامی ایران نتیجه مشارکت تمامی گروه های سیاسی اعم از گروه های دینی، دینی و ملی، ملی گرایان با گرایش های سوسیالیستی و لیبرالی است. بنابر این امر توسعه سیاسی در بطن انقلاب وجود داشت.

- توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی نیازمند مشارکت سیاسی احزاب و گروه ها و مشارکت اقتصادی بخش خصوصی است. این نوع از مشارکت علاوه بر این که نیازمند حضور در حق سرنوشت است نیازمند برنامه ریزی های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. در ایران پس از انقلاب این موارد در برنامه های توسعه کشور در قالب برنامه های پنج ساله دیده شده که سازمان برنامه و بودجه کارگزار اصلی تهیه نیازمندی های و تدوین برنامه است.

- حزب جمهوری اسلامی به عنوان فراگیرترین حزب انقلابی و اسلامی با تأسیس اقدام بر مشارکت سیاسی در تمامی ارکان نظام و حضور کارگزاران در پست های حساس کشور بود اما به علت اختلافات ناشی از نگرش و گرایش سیاسی بدون تاثیرگذاری در نظام اقتصادی و فقط با حذف رقبا به سمت انزوا و تعطیلی کشیده شد. علاوه بر آن جامعه روحانیت مبارز تهران نیز دچار اختلاف و انشقاق شد. برخی از احزاب در نتیجه این انشقاق با اهداف روشن تر پیدا شدند از آن جمله می توان به حزب کارگزاران سازندگی و گروه های ۱۸ گانه اصلاحات اشاره کرد.

- برنامه های توسعه اقتصادی ایران بیشترین هم راستایی و بهترین عملکرد را به ترتیب در برنامه های سوم، اول، دوم، پنجم و چهارم داشت. به همین ترتیب نیز حضور و مشارکت احزاب سیاسی را می توان تلقی کرد. در تمامی برنامه هایی که احزاب و گروه های سیاسی مشارکت داشتند و نظارت و کنترل از سوی گروه ها و احزاب بیشتر بود، برنامه های توسعه سیاسی و اقتصادی نیز بر هم منطبق بودند. علی رغم این که نخبگان احزاب در ارکان دولت به عنوان کارگزار مشغول به خدمات بودند.

منابع

اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، *مرامنامه ها و نظامنامه های احزاب سیاسی ایران*، تهران: نشر تاریخ ایران.

آبراهیمیان، یرواند (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

بخارایی زاده، سیدمهدی (۱۳۹۷)، «جایگاه احزاب در کشورهای توسعه یافته»، نشریه قانون یار، شماره ۵، بهار، صص ۲۹۴-۲۷۷.

التجایی، ابراهیم (۱۳۹۵)، «تحلیلی از اقدامات نهادی- اقتصادی دولت طی چهار دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ هـ.ش»، دولت پژوهی، سال دوم، شماره ۵، بهار، صص ۶۳-۹۹.

تربتی سنجان، محمود (۱۳۷۵)، *قربانیان باور و احزاب سیاسی*، تهران: آسیا.

تمی، کامران (۱۳۹۲)، *احزاب سیاسی و ثبات سیاسی: تأملی در تاریخ تحزب ایران*، تهران: پنجمین همایش بین المللی تحولات جدید ایران و جهان.

جاسبی، عبدالله (۱۳۸۹)، *احزاب سیاسی و نظام های حزبی*، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.

دارابی، علی (۱۳۷۹)، *سیاستمداران اهل فیضیه*، تهران، سیاست.

دوتوکویل، الکسی (۱۳۷۸)، *تحلیل دموکراسی در آمریکا*، ترجمه رحمت الله مراغه‌ای، تهران: زوار.

دوورژه، موریس (۱۳۵۴)، *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.

راش، مایکل (۱۳۸۸)، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.

زهیری، علیرضا (۱۳۷۹)، *عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک*، تهران: دفتر نشر و پخش معارف. زیباکلام، صادق و مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳)، «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، *فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی*، زمستان، شماره ۲۹، صص ۲۸-۷.

شادلو، عباس (۱۳۸۵)، *انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم*، تهران: مؤلف.

شقایق شهری، وحید (۱۳۹۷)، «ارزیابی برنامه های پنج ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم انداز»، *مجلس و راهبرد*، سال بیست و پنجم، شماره ۹۴، تابستان، صص ۲۳۷-۲۰۹.

صارمی شهاب، اصغر (۱۳۷۸)، *احزاب دولتی و نقش آن ها در تاریخ معاصر ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طیرانی، بهروز (۱۳۷۶)، احزاب سیاسی ایران، ج ۱، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ظریفی نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸)، کالبد شکافی جناح های سیاسی ایران، تهران: انتشارات آزادی.
- ظهیری، سید مجید (۱۳۹۵)، «پدیدهٔ اختلاف و کارکرد احزاب»، مجله پژوهش های اجتماعی اسلامی، خرداد و تیر، شماره ۷۰، صص ۸۵-۶۵.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۱)، بنیاد های علم سیاست، تهران، نشر نی.
- عباسی نسب، حسین (۱۳۹۲)، «نگاهی به ۱۰ برنامه توسعه در ایران»، تارنمای تحلیلی آفتاب، آذر.
- غنی نژاد، موسی (۱۳۷۸)، تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- فردوست، حسین (۱۳۷۸)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: اطلاعات.
- فقیهی، ابوالحسن و دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴)، بوروکراسی و توسعه در ایران نگاهی تاریخی - تطبیقی، تهران: رسا.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ج ۱، تهران: عروج.
- قاسمی، مصطفی (۱۳۸۵)، «نگاهی به فعالیت احزاب در آمریکا»، دوفصلنامه انسان پژوهی دینی، دوره ۳، شماره ۱۰، پاییز و زمستان، صص ۱۳۲-۱۱۱.
- کاتبی، حسینقلی (بی تا)، آذربایجان و وحدت ملی ایران، تبریز: بی نا.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۱)، مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمدتدین، تهران: رسا.
- کریمی، سحر (۱۳۹۴)، «بررسی وضعیت عمومی کشور سوئیس»، ماهنامه پژوهشی ملل، دوره اول شماره سوم، اسفند ماه، صص ۱۶-۸.
- کیانوری، نورالدین (۱۳۷۲)، خاطرات، تهران: انتشارات اطلاعات.
- لالوی، محمود (۱۳۸۱)، حزب مردم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- لیپست، مارتین (۱۳۷۳)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه س، ر، ابوالحسنی، تهران: انتشارات توس.
- مدیر شانه چی، محسن (بی تا)، احزاب سیاسی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۰)، حزب ایران نوین، تهران: وزارت اطلاعات.
- معین، محمدحسن (۱۳۷۷)، فرهنگ معین، تهران: امیر کبیر.

موسوی، طاهر (۱۳۷۷)، «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۸)، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: میزان.

میر خلیلی، سید حسین (۱۳۹۳)، «درآمدی بر نقش احزاب در ادوار مختلف قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش*، شماره ۱۸، تابستان، صص ۲۲۰-۱۸۵.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، *حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروزی*، تهران: دادگستر.

نیک‌خواه قمصری، نرگس (۱۳۹۳)، «گفتمان جنسیت از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی»، *مجله ژرفاپژوه*، سال اول، پاییز، شماره ۱، صص ۱۵۴-۱۱۳.

واعظی، احمد (۱۳۷۸)، *جامعه دینی - جامعه مدنی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

واینر، مایرون و هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹)، *درک توسعه سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعه راهبردی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹)، *موج سوم موکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.

یوسفی، محمد قلی (۱۳۸۹)، *استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی*، تهران، نی.

Afkhami, Gholam Reza (2009), *The Life and Times of the Shah*, University of California Press.

Barkan, S. E (1999), "Race, Issue Engagement and Political Participation", *Race and Society*, 1 (1): 63-76.

Huntington, S. & J.M Nelson (1976), *Political Participation in Developing Countries*, Cambridge, Harvard University Press.

Mc Clurg, S. D (2001), *Social Networks and Political Participation*, Internet: Google Site.